

موسیقی خطه مازندران

محدوده جغرافیایی موسیقی مازندران علاوه بر استان مازندران برخی نواحی دیگر را که از نظر تقسیمات کشوری در استان های سمنان، دامغان و تهران قرار دارند دربر می گیرد. از همین رو مردم ساکن در کوهستان ها، کوهپایه ها و جلگه های شمالی البرز همچون: رودهن، کجور، دماوند، فیروزکوه، سوادکوه و... و دو سمت رودخانه های هراز و بابل تا دریای مازندران و جلگه های غیر ترکمن نشین در شرق استان مازندران تا دو سوی رودخانه نشتارود در غرب این استان از موسیقی مازندرانی بهره می جویند. پهنه یاد شده که خود یکی از متنوع ترین مناطق قومی کشور به شمار می آید به لحاظ فرهنگ موسیقی نیز دارای تنوع و گوناگونی چشمگیری است. علت این تنوع و گوناگونی در موسیقی را می توان حضور قوم های مختلف و مهاجرت یا کوچ اجباری بسیاری از قوم ها در طی قرن های گذشته به منطقه مازندران دانست علاوه بر اینها تأثیرات فرهنگ های همسایه و نیز گسترش موسیقی مذهبی در شکل های بسیار متنوع و... جملگی عامل هایی هستند که باعث تنوع شگفت آور موسیقی در مازندران شده اند.

بنابر این موسیقی مازندران را می توان به پنج بخش جداگانه تقسیم کرد که این پنج بخش با وجود وجوه مشترک دارای تفاوت های محسوسی نسبت به یکدیگرند. این پنج بخش عبارتند از: موسیقی مناطق مرکزی مازندران (از ساری تا نوشهر) - موسیقی گلداری (واقع در شرق مازندران) - موسیقی علی آباد کتول - موسیقی شرق مازندران و موسیقی غرب مازندران.

موسیقی مناطق مرکزی مازندران از کوهستان های مازندران، از هزار جریب تا دماوند و جلگه های میان ساری تا چالوس بر پایه اصیل ترین و کهن ترین نغمه ها و تکه های چوپانی مازندران شکل گرفته است. محور اصلی موسیقی مناطق مرکزی مازندران پنج مقام آوازی وزین و کهنسال یعنی «طبری بلند»، «طبری کوتاه»، «کتولی بلند»، «کتولی کوتاه» و «میون کتولی» از یک سو و بسیاری تکه های ساز چوپانی از سوی دیگر است. بر محور همین مقام های آوازی و سازی تعداد بسیاری شبه مقام، منظومه های آوازی، ریز مقام ها و قطعه های سازی چوپانی و موسیقی مراسمی شکل گرفته اند که در مجموع اساس موسیقی آوازی و سازی مازندران را تشکیل می دهند.

از چند سده پیش، موسیقی مذهبی و به ویژه موسیقی تعزیه موجب دگرگونی های شگرفی در موسیقی این منطقه شد و موجب شکل گیری یک رشته از آوازاها و منظومه ها و ریز مقام های سازی و آوازی زیبا گردید که در تکوین موسیقی مازندران بسیار مؤثر افتاد. مهم ترین سازهای موسیقی مناطق مرکزی مازندران نی چوپان (لله وا)، سورنا و نقاره سفالی دوتایی (دوسرکتن) و در دو سده گذشته کمانچه بوده است.



علی آباد کتول از نظر جغرافیایی شرقی ترین منطقه طبری زبان استان مازندران است. این منطقه از نظر دستور زبان در برخی ساختارهای دستوری از فارسی خراسانی و گرگانی متأثر است به همین دلیل تعداد بی شماری از واژه های خراسانی، گرگانی، ترکی، ترکمنی و سیستانی نیز در آن به چشم می خورد. این درهم آمیزی فرهنگی در موسیقی این ناحیه بسیار محسوس تر است. به ویژه تأثیر دو جریان بزرگ موسیقی؛ یعنی ترکمنی و خراسانی به آسانی در آن مشهود است. در فرهنگ موسیقی علی آباد کتول، سازها نیز از تنوعی همچون نغمه ها برخوردارند.

در یک نگاه کلی، موسیقی علی آباد کتول را می توان شامل سه مقام بزرگ «هرایی» دانست که ریز مقام های بسیاری از آنها منشعب می شوند. علاوه بر این می توان تعداد بسیاری از تکه های سازی و آوازی چوپانی و شماری از ریز مقام های مربوط به زنان و آهنگ های مربوط به عروسی که توسط سورنا و دهل نواخته می شوند را بر مجموعه گسترده موسیقی کتول افزود.

«گذار»ها که در متن های تاریخی و زبان مردم مازندران با نام های گذر، گسار و یا گودار نیز نامیده شده اند از خنیاگران اند که در دوره های مختلفی از تاریخ همراه با آهنگران، بازیگران و نجاران از هندوستان به سرزمین ما کوچ کرده اند. گذارها امروزه به عنوان اقلیتی غیررسمی و استحاله یافته در زبان، فرهنگ و آداب و رسوم مازندرانی هنوز از دو طریق؛ یعنی رنگ پوست و موسیقی توانسته اند هویت قومی شان را محفوظ دارند. این قوم به دلیل نوع کار و مهارت در خنیاگری، تأثیر قابل ملاحظه ای بر موسیقی شرق مازندران برجای گذاشته اند که این خود باعث به وجود آمدن سبکی با عنوان «موسیقی گذاری» شده است. موسیقی گذاری در واقع بیان ویژه ای از موسیقی مازندران است که با احساس، دانش و فرهنگ موسیقی بوم گذار درآمیخته است تا برزمینه رنج ها و سختی های تاریخی این قوم روایتی غم انگیزتر از آن به دست دهد. از جمله ویژگی های این موسیقی، به کارگیری بیشتر کمانچه و کمتر استفاده کردن از سازنی (لله وا)، استفاده از برخی سازهای کوبه ای غیر مازندرانی مانند: دایره و تنبک در اجرای ریز مقام ها و همچنین به کارگیری لهجه گذاری در بخشی از آوازاها و اجرای تحریرها است.

موسیقی شرق مازندران که از میاندورود ساری تا کوهپایه های طبری زبان گرگان نواخته می شود در پیوند با موسیقی روائی - منظومه ای مناطق دیگر ایران و نیز موسیقی نواحی دیگر مازندران، موسیقی کتولی، گذاری، ترکمنی و خراسانی است. مهم ترین ساز در موسیقی شرق مازندران «دوتار» است. در شرق مازندران دوتار احتمالاً سازی مهاجر است که طی قرن های اخیر از منطقه گرگان و دشت ترکمن به آن مهاجرت کرده است. مهاجرت این ساز در عین حال نشان دهنده نکته های ویژه ای است که از آن جمله می توان به تفاوت های پرده بندی و تفاوت های شیوه نوازندگی اشاره کرد. هسته مرکزی این موسیقی دو مقام بزرگ «هرایی» است که خود در موسیقی ترکمنی (از حیث مضمون) و موسیقی شمال خراسان (از حیث لفظ) ریشه دارد و علاوه بر آن با خصوصیات از موسیقی کتولی - که خود آمیزه ای از چند فرهنگ مختلف است - نیز درآمیخته است.

موسیقی مناطق غربی مازندران - میان منطقه چالوس تا غرب رودخانه نشتارود - از آنجا که در همسایگی مناطق شرقی گیلان قرار دارد، محل برخورد دو فرهنگ موسیقی است. ویژگی های موسیقی این منطقه ترکیبی از ویژگی های موسیقی نواحی شرق گیلان همچون؛ دیلمان و اشکور و نواحی مرکزی مازندران است. در این منطقه هیچ اثری از موسیقی شرق مازندران و موسیقی گذاری به چشم نمی خورد. از یک طرف بسیاری از مقام ها و آوازهای مناطق مرکزی مازندران در غرب مازندران حضور دارند و از طرف دیگر منظومه های مناطق مرکزی و شرقی جای خود را به منظومه های دیگر می دهد. در این منطقه همچنین طایفه هایی از کردهای افشار، کردهای لک و نیز گذارها حضور دارند. در میان نوازندگان و خوانندگان کرد افشار که حضور فعال تری نسبت به دیگر طایفه های مهاجر در موسیقی دارند نغمه های گیلان و مازندران مرکزی را اصیل تر روایت می کنند. سازهای رایج در مازندران غربی، محدود به نی، سورنا و دهل است. در این منطقه دیگر نقاره های دوتایی گیلان یا مازندران مرکزی دیده نمی شود. دهل همراهی کننده سورنا، دوطرفه و شبیه به دهل های خراسانی یا کردی است و به احتمال زیاد ره آوردی است که کردهای افشار با خود به مازندران آورده اند.